

مفهوم تردد در احادیث

محمد حسن احمدی فقیه (یزدی)

اهل تسنن نقل شده است که به قسمتی از این کتابها اشاره می‌شود:

• کتاب المؤمن، تألیف حسین بن سعید اهوازی (م حدود ۲۵۰ هـ) نقل از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، چاپ قم، حدیث ۶۳-۶۱، صفحه ۳۲ و ۳۳.

• اصول کافی، تألیف ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۸ هـ) باب الرضا بموهبة الايمان، از امام صادق علیه السلام بایک سند، چاپ آخوندی، جلد دوم، صفحه ۲۴۶. و نیز باب من اذى المسلمين، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام با سه سند، جلد دوم، صفحه ۳۵۲ و ۳۵۴.

• کتاب المحاسن، تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ هـ)، باب ۴۷ المحبوبات، حدیث ۴۴۳ از امام صادق علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه

چون حدود یک سال بین نشر اولین قسمت این بحث و مقال کنونی به علی فاصله شده، لذا مناسب است که بحث را براساس نظمی طبیعی در چند فراز پی‌گیری کنیم، گرچه مستلزم این باشد که بخشی از مطالب گذشته تکرار شود.

۱- متن حدیث

قال الله عزوجل: ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی موت عبدی المؤمن یکره الموت واکره مساءته. ترجمه: خداوند فرموده است: در هیچ امری که من انجام می‌دهم تردید و ترددی مانند تردید و تردد در باره مرگ بنده مؤمن خود ندارم، او از مرگ کراهت دارد و من نیز از ناراحتی او کراهت دارم.

۲- مدرک حدیث

این حدیث شریف با عبارتی که یاد شد و یا با مختصر تفاوت، در کتابهای متعددی از مصادر حدیثی شیعه و

• قسمت اول این مقاله در شماره یازدهم همین مجله درج شده است.

کتاب سابق است، تألیف محمد منیر دمشقی ازهری،
صفحه ۱۷۱ و ۱۶۶.

*الاتحافات السنیه بالا حدیث القدسیه، تألیف تاج
الدین بن السمانوی الحدادی (م ۱۰۳۱) صفحه
۱۷۱ و ۱۶۶.

کتاب دیگری به نام الاتحافات السنیه بالا حدیث
القدسیه، تألیف شیخ محمد مدنی از دانشمندان سده
دوازدهم در هند چاپ شده که این حدیث در آن کتاب
هم آمده است.

*ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، تألیف
شهاب الدین قسطلانی (م ۹۲۳)، جلد نهم، صفحه ۲۹۰.
*الفروق، تألیف شهاب الدین احمد بن ادریس
القرافی (م ۶۸۴) جلد سوم، صفحه ۶۹، چاپ بیروت
در چهار جلد، و نام کامل آن انوار البروق فی انواء الفروق
است.

*تهذیب الفروق والقواعد السنیه فی الاسرار الفقهیة،
تألیف شیخ محمد علی بن شیخ حسین الملکی المالکی،
که با همان کتاب الفروق قرافی چاپ شده، جلد سوم،
صفحه ۹۱.

*ادوار الشروق علی انواء الفروق، تألیف ابن الشاط (م
۷۲۳) این کتاب و کتاب قبلی شرح و تهذیب و تنظیم
همان کتاب الفروق قرافی است و با کتاب قواعد و فواید
شہید اول نوعی هماهنگی دارد.

*قبسات، اثر میرداماد (م ۱۰۴۱) چاپ جدید، صفحه
۴۶۹، و چاپ قدیم، صفحه ۳۱۳.

*اسفار، اثر ملا صدرا (م ۱۰۵۰) جلد ششم، صفحه ۳۹۲
و چاپ قدیم جلد ۳، صفحه ۹۰.

*وفاقی، اثر فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) باب عزة المؤمن،
جلد سوم، صفحه ۱۳۰.

*اربعین، اثر شیخ بهائی (م ۱۰۳۱) حدیث سی و پنجم،
صفحه ۲۱۰ و ۲۱۱.

شیخ بهائی پس از نقل حدیث از کتاب کافی از ابان بن
تغلب فرموده: «سند این حدیث صحیح است و

وآله چاپ محدث ارموی، صفحه ۲۹۱- چاپ نجف،
صفحه ۲۳۵.

*صحیح بخاری (م ۲۵۶)، کتاب الرقاق، باب
التواضع، از رسول خدا صلی الله علیه وآله، چاپ نه
جلدی، جلد هشتم، صفحه ۱۳۱- جلد هفتم، صفحه
۱۹۰ در مجموعه هشت جلد در چهار مجلد.

*مسند احمد حنبل (م ۲۴۱ هـ) چاپ شش جلدی،
جلد ششم، صفحه ۲۵۶.

این پنج کتاب که از تألیفات سده دوم تا چهارم
است مدارک اصلی روایت تردد است. و در زمانهای بعد
در کتابهای فراوانی بطور مرسل و یا به نقل متصل
(معنعن) از این پنج کتاب روایت شده است که به
تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

*القواعد والفوائد، تألیف شهید اول (م ۷۸۶ هـ)
چاپ دو جلدی، نجف، جلد دوم، صفحه ۱۸۱ و چاپ
سنگی، ایران، صفحه ۲۷۱ و ۲۷۲.

*نضد القواعد، تألیف فاضل مقداد (م ۸۲۶) چاپ
قم، صفحه ۶۹.

*وسائل الشیعه، تألیف شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴)
جلد دوم، صفحه ۶۴۴ (باب عدم تحریم کراهة الموت) و
جلد سوم، صفحه ۵۳ و جلد هشتم، صفحه
۵۸۸ (قسمتی از حدیث).

*الجواهر السنیه، تألیف شیخ حر عاملی، چاپ
۱۴۰۲، صفحه ۹۸ و ۱۲۱.

*بحار الانوار، اثر علامه مجلسی (م ۱۱۱۱) جلد
۷۵، صفحه ۱۵۵.

*مرآت العقول، اثر علامه مجلسی، جلد نهم،
صفحه ۲۹۷، جلد دهم، صفحه ۳۸۱-۳۸۳.

*جامع احادیث الشیعه، جلد هفتم، صفحه ۹۹.

*الاحادیث القدسیه، چاپ ۱۳۸۹، قاهره، صفحه
۸۱. کتاب ظاهراً تألیف برخی از دانشمندان معاصر
است.

*النفحات السلفیه بشرح الاحادیث القدسیه، شرح

بخار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸۳، صفحه ۷ .
مقباس المصابیح، اثر علامه مجلسی، چاپ سنگی،
صفحه ۶۳.

مستدرک الوسائل، حاجی نوری، جلد یکم، صفحه
۳۴۵.

الباقیات الصالحات، محدث قمی، صفحه ۷۳، حاشیه
مفاتیح، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که صدور حدیث یاد
شده از رسول خدا صلی الله علیه واله بعنوان حدیث
قدسی و کلام خدای متعال جای هیچ تردیدی ندارد و با
اطمینان کامل می توان گفت: جمله «ما ترددت...»
کلام خدا است. و اگر کسی درسند این حدیث خدشه
کند دلیل بی اطلاعی و یا وسواس بی جای اوست زیرا
لا اقل باید بپذیرد: حجیت حدیثی که با چند سند نقل
شده و برخی از آنها صحیح است و در کتابهای حدیثی
اصیل شیعه و سنی آمده باشد، از نظر صحت مورد اتفاق
و توافق همه علمای اسلام است.

۴- سئوالهایی که مطرح می شود

با دقت در متن حدیث تردد سئوالهایی مطرح
می شود که به قرار ذیل است:

۱- مقصود از تردد که در این حدیث به خدای
متعال نسبت داده شده چیست؟

۲- از حدیث استفاده می شود که در غیر قبض
روح مؤمن هم خدای متعال تردد دارد، ولی نه مانند
تردد در قبض روح مؤمن، پس چه خصوصیتی در قبض
روح بنده مؤمن بوده که بخصوص عنوان شده است؟
۳- می دانیم که مؤمن واقعی از مرگ کراهت
ندارد، پس چرا در این حدیث آمده که مؤمن از مرگ
کراهت دارد؟

۴- خواندن دعایی که جمله «ما ترددت...» در
آن هست چه رابطهای با طولانی شدن عمر دارد که

دانشمندان اهل تسنن نیز همین حدیث را با سند
صحیح روایت کرده اند، پس این روایت از روایات مشهور
و مورد اتفاق علمای اسلام اعم از شیعه و سنی است.

و ضمناً روشن شد که: حدیث تردد در کتب
حدیثی و فقهی آمده، و نیز در کتب فلسفی و حکمی-
به تبع آن قسمت از روایت که مربوط به تردد می باشد-
ذکر گردیده است، علاوه اینکه در کتب ادعیه نیز با
سندهای صحیح نقل شده و نشانی دقیق آنها در فراز
سوم همین مقاله خواهد آمد. بنابراین، این توهم که
حدیث مذکور در کتب روایی منشأی ندارد، باطل شد،
خصوصاً اینکه، قبل از طرح آن در کتابهای حکمی و
فلسفی در کتب فقهی مطرح گشته و پیرامون آن مباحث
مفصل و مستوفایی نیز انجام شده است.

۳- حدیث تردد در ضمن دعای طول عمر

«اللهم ان رسولک الصادق المصدق صلواتک علیه و آله قال
انک قلت ما ترددت فی شئیء انا فاعله کترددی فی
قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت و اکره مسائته...»
دعای فوق قسمتی از یکی از تعقیبات نماز است که
خواندن آن برای طول عمر سفارش شده و خیلی مؤثر
است.

این دعا در کتابهای زیر نقل شده است:

مصباح المتهجد، تألیف شیخ طوسی (م ۴۶۰) چاپ
قم، صفحه ۵۱.

فلاح السائل، اثر ابن طاووس (م ۶۶۴) چاپ تهران
صفحه ۱۶۷.

مکارم الاخلاق، اثر طبرسی، چاپ سنگی، تألیف قرن
ششم، صفحه ۱۴۹.

دعوات راوندی (م ۵۷۳) چاپ قم، صفحه ۱۳۴.
جنة الامان کفعمی (م حدود ۹۰۰) چاپ افسس،
صفحه ۲۴.

بلد الامین کفعمی، چاپ رحلی، صفحه ۱۲.

می‌داند و تردد لازمه بزرگداشت، وعجله و مبادرت (در تصمیم) لازمه تحقیر است.

بنابراین جمله «تردد» بر گرامی داشت خداوند نسبت به مؤمن، و شرف و منزلت او نزد خداوند دلالت می‌کند، یعنی لازم معنا اراده شده است نه خود معنای تردد، و باز گشت حدیث به این جمله است: «منزلة المؤمن عندی عظيمة».

این پاسخ در الفروق اثر قرافی جلد سوم صفحه ۶۹، چاپ بیروت، وقواعد شهید اول چاپ نجف، جلد دوم، صفحه ۱۸۱ و نضد القواعد فاضل مقداد، صفحه ۶۹ چاپ قم و تهذیب الفروق شیخ محمد علی مکی مالکی، جلد سوم، صفحه ۹۱، یاد شده است.

فاضل مقداد پس از جواب یاد شده فرموده است: در تأویل این حدیث غیر از وجهی که در بالا یاد شد و جوهی دیگر گفته شده است:

وجه اول: مقصود تردد عبد است به این معنا که خداوند متعال برای مؤمن وضعی را پیش می‌آورد که او گمان می‌کند سرگش نزدیک شده، و در این حال استعداد و آمادگی کامل برای رفتن از این جهان پیدا می‌کند، و مشتاقانه به انجام عمل صالح مبادرت می‌نماید.

سپس خداوند متعال وضع دیگری که موجب بسط آرزوهای او می‌شود برایش پیش می‌آورد و در نتیجه او مشغول فراهم کردن ضروریات زندگی دنیوی خود می‌شود. در حقیقت این عبد است که مردد می‌شود نه خداوند، ولی چون تردد عبد، معلول پیش آوردن اسبابی است که خدا پیش می‌آورد، و خدا موجود این حالت در عبد است، از اینرو خداوند تردد را به خود نسبت می‌دهد.

پس طبق این نظر، تردد در اختلاف احوال بنده مؤمن است، نه در زمان قبض روح و اجل، یعنی زمان قبض روح مشخص است و هیچگونه تقدم و تاخیری ندارد، و آنچه در آن تردد صورت می‌گیرد حالات

گفته‌اند خواندن این دعا عمر را طولانی می‌کند. چون در این روایت مشابه این سئوالها و شاید برخی سئوالهای دیگر مطرح بوده، از این رو از چند قرن قبل دانشمندان شیعه و سنی توضیحاتی پیرامون این حدیث ایراد کرده‌اند تا به برخی از این سئوالها پاسخ داده شود مانند:

شهاب‌الدین قرافی، از علمای اهل تستن، در کتاب الفروق.

واز علمای شیعه شهید اول، در کتاب قواعد و نیز کتاب ذکری.

فاضل مقداد، در کتاب نضد القواعد الفقهیه.

شیخ بهائی، در شرح اربعین و

میرداماد، در قبسات.

ملاصدرا، در اسفار.

فیض کاشانی، در وافی.

علامه مجلسی، در بحارالانوار و مرآت العقول.

ملا صالح مازندرانی، در شرح کافی.

امام خمینی، در حاشیه اسفار، که در حقیقت

شرحی بر قسمتی از حدیث مزبور است.

البته در بخش اول این بحث (مندرچ در شماره ۱۱

مجله) به این سئوالها پاسخ داده شده، مراجعه شود.

۵- معنی تردد در بیان فقها (پاسخ سؤال اول)

واضح است که تردد به معنای شک و تردید نسبت به خداوند متعال محال است، پس در اینجا لازمه معنا که تعظیم و بزرگداشت مؤمن باشد منظور است.

توضیح اینکه ما می‌بینیم انسان اگر به کسی علاقه داشته باشد او را بزرگ و باعظمت بدانند، در بدی رساندن به او و ناراحت کردنش متردد می‌شود و عجله نمی‌کند و اگر با کسی دشمن باشد او در نزدش کوچک و حقیر باشد، در مجازات او هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد و فوراً به مرحله اجرا در می‌آورد. پس به این نتیجه می‌رسیم که خدا بنده مؤمن خود را بزرگ

این تعارض شبیه تردد است و به آن تشبیه شده و استعاره است.

وجه چهارم: در حقیقت ترددی در کار نیست بلکه تردد فرضی منظور است یعنی خداوند می‌فرماید اگر من ترددی می‌داشتم در قبض روح مؤمن آن چنان تردد می‌کردم که در هیچ امر دیگری آن اندازه تردد نمی‌نمودم. البته این نوع تعبیر مجازی است.

این بود توجیهاتی که فاضل مقداد برای نسبت دادن تردد به خداوند متعال ذکر کرده بود و با اختصار و نقل به معنا یاد شد.

۶- مفهوم تردد در کتب حدیثی

شیخ بهائی در شرح اربعین (حدیث سی و پنجم، صفحه ۲۱۰ و ۲۱۱) و غیره فرموده‌اند: «ما تضمنه هذا الحديث من نسبة التردد الیه سبحانه یحتاج الی التاویل و فیه وجه:

الاول: ان فی الکلام اضماراً والتقدير: لوجاز علی التردد ما ترددت فی شیء کترددی فی وفاة المؤمن.

الثانی: انه لما جرت العادة بان یتردد الشخص فی مساءة من یحترمه ویوقره کالصدیق الوفی والخل الصفی، وان لا یتردد فی مساءة من لیس له عنده قدر ولا حرمة کالعدو، والمودیات والحبیة والعقرب، بل اذا خطر بالبال مساءة او وقعها من غیر تردد ولا تأمل، صح ان یمتد بالتردد والتوانی والتأمل فی مساءة الشخص عن توقیره واحترامه و بعدهما عن اذلاله واحتقاره.

فقوله سبحانه: «ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی وفاة المؤمن» المراد به - والله اعلم - لیس لشیء من مخلوقاتى عندی قدر وحرمة کقدر عبدی المؤمن و حرمته، فالکلام من قبیل الاستعارة التمثیلیة.

الثالث: انه قد ورد فی الحدیث من طرق الخاصة والعامه ان الله سبحانه یتظاهر للعبد المؤمن عند الاحتضار من اللطف والکرامة والبشارة بالجنة ما یریل عنه کراهة الموت ویوجب رغبته فی الانتقال الی دارالقرار فیقفل

مؤمن است که گاهی توجه به دنیا و گاهی توجه به آخرت پیدا می‌کند.

وجه دوم: خداوند تبارک و تعالی همیشه حالاتی برای مؤمن پیش می‌آورد که مرگ را به میل خویش انتخاب کند، یعنی مؤمن به خاطر عدم فرصت برای کسب کمالات از مرگ کراهت دارد و خدای بزرگ نیز ناراحتی او را نمی‌خواهد، لذا حالاتی برایش ایجاد می‌کند که نه تنها مرگ را بپذیرد بلکه آن را بخواهد و تقاضا کند. بنابراین پروردگار عالم پس از اینکه مؤمن مرگ را برگزید، در مقام قبض روح او بر می‌آید بدون اینکه از طرف خداوند عجله‌ای در کار باشد. و در انسانها چنین است که اگر کسی قدرت بر تعجیل داشته باشد و تعجیل نکند او را متردمی‌دانند، ولی در خدای متعال که تردد معنا ندارد باید بگوییم او در این مورد به صورت متردد است، گرچه در واقع ترددی در کار نیست.

مؤید این وجه روایتی است که می‌گوید: وقتی که ملک الموت برای قبض روح حضرت ابراهیم آمد ابراهیم از قبض روحش کراهت داشت لذا خداوند قبض روح او را به تأخیر انداخت. تا اینکه یک روز پیرمردی را دید که غذا می‌خورد و آب دهانش از فرط پیری و سستی بر محاسنش می‌ریخت از اینرو حضرت ابراهیم از خداوند تقاضای مرگ کرد یعنی کراهتش از بین رفت و طالب مرگ شد.

پس همانطور که ملاحظه می‌کنیم هیچگونه ترددی از طرف خداوند در بین نبوده بلکه فقط بر طرف کردن حالت کراهت ابراهیم علیه السلام از مرگ مقصود بوده که در ظاهر به شکل تردد در قبض روح ابراهیم علیه السلام دیده می‌شود.

و در باره موسی علیه السلام هم نظیر همین داستان روایت شده است.

وجه سوم: ختمی بودن مرگ بر بندگان، با کراهت خداوند از ناراحتی مؤمنان، با هم متعارض هستند. و

والثالث: ان معناه سارددت الاعلال والامراض والبروالطف والرفق حتى يرى بالبرعطفی وکرمی فیملی الی لقائی طمعا وبالبلایا والعلل فیتمرم بالدنیا ولایکره الخروج منها».

نظر به اینکه عبارات فوق شبیه عبارات منقول از نضدالقواعد و غیره می باشد و ترجمه آن عبارات نقل شد، لذا لزومی به ترجمه آن دیده نشد.

۸- روایتی در بیان تردد (به معنی قبض و بسط)

در بخش اول این بحث که در شماره یازدهم مجله چاپ شد گفتیم: منظور از «تردد» در این حدیث قدسی قبض و بسط پروردگار نسبت به مؤمن و فراهم کردن اسباب و وسائل تکامل و ترقی اوست تا بدینوسیله به نکات ذیل و مانند آن آگاهی یابد:

- ۱- به گناهان خود توجه پیدا کند.
- ۲- از اعمال گذشته و گناهان خود توبه کند.
- ۳- همواره به یاد مرگ باشد.
- ۴- به کمالات توجه پیدا کند.
- ۵- کمالات بیشتری برای خود کسب کند.
- ۶- وبالاخره سعادت اخروی خود را تأمین نماید.

در اینجا جهت توضیح بیشتر حدیث مورد بحث، روایتی از امام صادق علیه السلام از اصول کافی (جلد دوم، صفحه ۴۴۹ کتاب الایمان والفکر، باب نادر) نقل می کنیم که می تواند دلیل گفتار ما باشد:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی بن محبوب عن عبدالعزیز العبدی عن ابن ابی یعفر قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: قال الله عزوجل: ان العبد من عبیدی المؤمنین لیدنب الذنب العظیم مما یتوجب به عقوبتی فی الدنیا والآخرة فانظر له فیما فی صلاحه فی آخرته فاعجل له العقوبة علیه فی الدنیا لاجازیه بذلک الذنب واقدر عقوبة ذلک الذنب واقضیه واتركه علیه موقوفاً غیر ممضی ولی فی امضاء المشیئة وما یعلم عبدی به فاتردد فی ذلک مراراً علی امضائه ثم

تأذیه به فیصیر راضياً بنزوله وراعياً فی حصوله. فاشبهت هذه المعاملة معاملة من یرید ان یؤلم حبیبه السماً بما یتعقبه نفع عظیم فهو یتردد فی انه کیف یوصل ذلک الالم الیه علی وجه یقل تأذیه به، فلا یزال یتظاهر له ما یرغبه فی ما یتعقبه من الله من اللذة الجسمیة والراحة العظیمة الی ان یتلقاه بالقبول و یعدّه من الغنائم المؤدیة الی ادراك المأمول فیكون فی الكلام استعارة تمثیلیة».

۷- کلامی از علمای عامه پیرامون حدیث تردد

علامه مجلسی در مرآت العقول (جلد نهم، صفحه ۲۹۸) در توجیه این حدیث شریف به نقل از علمای اهل تسنن چند وجه ذکر فرموده است:

«الاول: ان معناه ما تردد عبدی المؤمن فی شیء انا فاعله کترده فی قبض روحه فانه متردد بین ارادته البقاء و ارادتی للموت فاننا اللطفه وابشره حتی اصرفه عن کراهة الموت، فاضاف سبحانه تردد نفس ولیه الی ذاته المقدسة کرامة وتعظیماً له كما یقول غداً یوم القیامة لبعض من یعاتبه من المؤمنین فی تقصیره عن تعاهد ولی من اولیائه: عبدی مرضت فلم تعدنی؟ فیقول: کیف تمرض وانت رب العالمین؟ فیقول: مرض عبدی فلان فلم تعده فلو وعدته لوجدتني عنده فکما اضاف مرض ولیه وسقمه الی عزیز ذاته المقدسة عن نصوت خلقه اعظاماً لقدر عبده وتوئیهاً بکرامة منزلته فکذلک اضاف التردد الی ذاته لذلک».

الثانی: ان ترددت فی اللغة بمعنی رددت مثل قولهم فکرت و تفکرت و دبرت و تدبرت، فکانه یقول: سارددت ملائکتی ورسلی فی امر حکمت بفعله مثل سارددتهم عند قبض روح عبیدی المؤمن فاردهم فی اعلامه بقبضی له و تبشیره بلقائی و بما اعددت له عندی کما ردد ملک الموت علیه السلام الی ابراهیم و موسی علیهما السلام فی القصتین المشهورتین الی ان اختار الموت فقضهما و کذلک خواص المؤمنین من اولیائه یردهم الیهم رفقا و کرامة لیمیلوا الی الموت و یحبوا لقاءه تعالی».

امسک عنه فلا امضیه کراهة لمساءته وحیداً عن ادخال المکروه علیه فاتطول علیه بالعفو عنه والصفح محبة لمکافاتہ لکثیر نوافله التي يتقرب بها الی فی لیلہ ونهاره فاصرف ذلک البلاء عنه وقد قدرته وقضیته وترکتہ موقوفاً ولی فی امضائه المشیئة ثم اکتب له عظیم اجر نزول ذلک البلاء وادخره او فرله اجره ولم یشعر به ولم یصل الیه اذاه وانا الله الکریم الرحیم.

ترجمه حدیث: ابن ابی یعفور گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

خدای تعالی فرماید: گاهی بنده‌ای از بندگان مؤمن من مرتکب گناه بزرگی می‌شود که به سبب آن مستوجب عقوبت من در دنیا و آخرت می‌گردد، در آن هنگام نظری به کار مؤمن و آثار اعمالش در آخرت می‌افکنم و به آنچه صلاح اوست نسبت به آخرتش توجه می‌نمایم (و اگر اعمال او صالح نبود) در مجازات و عقوبتش در همین دنیا تسریع می‌کنم (تا در آخرت پاک باشد و بتواند از نعمت‌های بی‌منت‌های آنجا استفاده کند) و نیز عقوبت معصیتش را تقدیر و اندازه‌گیری می‌نمایم. ولی این عقوبت را بدون امضاء قطعی به حال توقف نگه داشته بر او وامی‌گذارم و به تعلیق می‌اندازم در حالی که امضاء قطعی آن به خواست و مشیت من است (یعنی به او مهلت می‌دهم که توجه پیدا کند و کسب کمالات بنماید).

بنده مومن من این مطالب را نمی‌داند و من در امضاء کردن این عقوبت بر او بسیار تردد می‌نمایم و عاقبت از آن امساک می‌کنم و وقوع حتمی به آن نمی‌دهم، زیرا ناراحتی او را خوش ندارم و مایل نیستم مکروهی بر او وارد شود، پس او را عفو می‌کنم و از او می‌گذرم به خاطر اینکه دوست دارم کارهای مستحبی که شب و روز انجام می‌دهد و به وسیله آنها به من تقرب می‌جوید مکافات و تلافی کرده باشم، پس آن بلاء و عقوبت را از وی برمی‌گردانم، در حالی که قبلاً تقدیر کرده بودم (ولی امضاء قطعی نکرده) و بطور متوقف رها کرده

بودیم و امضاء آن بستگی به خواست من داشت، سپس اجر و پاداش بزرگ این نزول بلاء را برایش می‌نویسم و ذخیره می‌کنم و زیاد می‌کنم بدون اینکه او توجه داشته باشد و بداند، در حالی که رنج و سختی بلاء هم به او نرسیده است و من خدای کریم و رؤوف و مهربانم. همانطور که ملاحظه می‌فرمایید معنایی که در این حدیث شریف از تردد اراده شده خصوصاً عبارت: «فتردد فی ذلک مراراً» همان معنای قبض و بسط است که در قسمت اول این مقاله بیان نمودیم. پس در حقیقت ما آن روایت را به کمک این روایت توضیح دادیم. ۹- ضمناً از آنچه در قسمت‌های گذشته ذکر گردید و بعنوان پاسخ سؤال اول بیان شد، پاسخ سؤال دوم هم تا حدودی معلوم شد، و توجه به مسأله قبض و بسط، و کلیت و شمول آن این مطلب را در نوع امور روشن می‌کند و نیازی به ذکر و تکرار آنچه بیان شد، نیست.

۱۰- چرا مؤمن از مرگ می‌ترسد (پاسخ سؤال سوم) برای مزید ایضاح، قسمت‌هایی از پاسخ علما به سؤال سوم رانقل می‌کنیم: شیخ بهائی رضوان الله علیه در کتاب اربعین در ضمن حدیث ۳۵ فرموده است: گاهی توهم می‌شود که جمله «یکره الموت» در این حدیث و امثال آن، با روایت نبوی «من احب لقاء الله احب الله لقاءه و من کره لقاء الله کره الله لقاءه» منافات و تعارض دارد، زیرا ظاهر روایت نبوی این است که مؤمن حقیقی از موت کراهت نداشته بلکه به آن راغب است، همانطور که از امیرمؤمنان نقل شده که فرموده: «ان ابن ابی طالب انس بالموت من الطفل بندی امه» یعنی پسر ابوطالب به مرگ از طفل به پستان مادر مانوس‌تر است و همچنین هنگامی که ابن ملجم لعنه‌الله با شمشیر به سر مقدسش زد، فرمود: «فزت و رب الکعبه»: سوگند به پروردگار کعبه رستگار شدم. شیخ شهید ما در کتاب ذکر این اشکال را اینطور جواب داده است: حب و علاقمند بودن به لقاء الله مقید

صالح خود تحصیل کند، و تحصیل این استعداد و زیاد کردن اعمال صالح با مرگ منافات دارد، زیرا مرگ فرصت را می‌گیرد و دست انسان را از انجام اعمال صالح کوتاه می‌کند، پس از اینرو مؤمن از مرگ کراهت دارد که مانع کمال استعداد او برای لقاء الله می‌شود.

۱۱- از سیاق کلماتی که گذشت، پاسخ سؤال چهارم نیز مشخص شد که تردد در حقیقت عنوانی است بر تأخیر مرگ. مرحوم صاحب وسائل اعلی الله مقامه پس از نقل این قسمت (تردد) از حدیث فرموده است: «اقول التردد مجاز کنایة عن التأخیر» (وسایل الشیعه، کتاب الطهارة، ابواب الاحتضار، باب عدم تحریم کسراه الموت، ج ۲، ص ۶۴۴).

۱۲- زمینه ادامه بحث

همانطور که قبلاً گفتیم، این حدیث در برخی از کتب فلسفی هم عنوان شده و فلاسفه ما پیرامون آن بیاناتی دارند از جمله: مرحوم میرداماد در کتاب قبسات، چاپ جدید، صفحه ۴۶۹ و چاپ قدیم، صفحه ۳۱۳ فرماید:

«و میض و فی الحدیث القدسی ما ترددت... آنگاه در شرح حدیث مطالبی فرموده است.

و نیز مرحوم ملاصدرا در اسفار، جلد ششم، صفحه ۲ و ۳ می‌فرماید:

«فما معنی التردد المنسوب الیه فی قوله: ما ترددت فی شیء انا فاعله...»

تا آنجا که گوید: «والذی سنح لهذا الراقم المسکین...» و توضیحاتی در این باره داده است. حضرت امام خمینی دامت برکاته در حاشیه اسفار به کلام ملاصدرا اشکال نموده و فرموده‌اند: «والذی سنح لهذا الضعیف فی معنی الحدیث و العلم عندالله...».

بعضی از فضلاء معاصر حفظه الله در بحث اسفار، اشکالاتی بر بیان امام خمینی مسدظه السعالی ذکر کرده‌اند که اگر توفیقی باشد در قسمت سوم این گفتار نقل و نقد خواهیم کرد.

به وقت معینی نیست، پس بر حال احتضار و دیدن چیزی که او دوست دارد حمل می‌شود. همچنانکه شیعه از امام صادق علیه السلام و اهل تسنن از رسول خدا روایت می‌کنند که: «من احب لقاء الله احب الله لقاءه و من کره لقاء الله کره الله لقاءه فقیل: یا رسول الله انا لنکره الموت فقال: لیس ذلک و لکن المؤمن اذا حضره الموت بشر برضوان الله و کرامته فلیس شیء احب الیه مما امامه فاحب لقاء الله و احب الله لقاءه...».

ترجمه حدیث: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس لقاء خدا را دوست داشته باشد خداوند هم لقاء او را دوست دارد و هر که لقاء خدا را کراهت داشته باشد خداوند هم لقاء او را کراهت دارد. به آن حضرت گفتند: ای پیامبر خدا ما از مرگ کراهت داریم، فرمود: اینطور نیست، چون حالت احتضار و مرگ مؤمن، فرا رسد او را به رضوان و کرامت الهی بشارت می‌دهند، و پس از این بشارت، هیچ چیز نزد او محبوب تر از آنچه به او بشارت داده شده نیست، پس او لقاء خدا را دوست دارد و خداوند هم لقاء او را دوست خواهد داشت... این بود پاسخی که شهید اول در کتاب ذکری (ص ۵۲) افاده کرده که با اختصار نقل شد.

مشابه این روایت از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است، به فروع کافی، کتاب الجنائز، باب مایعین المؤمن و الکافر، حدیث ۱۲، جلد سوم، صفحه ۱۳۴. و نیز به کتاب معانی الاخبار، باب معنی ماروی ان من احب لقاء الله... صفحه ۲۳۶ مراجعه شود.

آنگاه شیخ بهائی نیز دو جواب دیگر در کتاب اربعین (ص ۲۱۲) نقل یا ذکر کرده است:

... جواب دوم اینکه: مرگ نفس لقاء الله نیست بلکه لقاء الله لازمه مرگ است و کراهت از مرگ به خاطر رنج حاصل از آن است و این کراهت مستلزم کراهت از لقاء الله نخواهد بود.

جواب سوم اینکه: دوستی لقاء الله ایجاب می‌کند که انسان استعداد کامل لقاء الله را با افزودن به اعمال